

اصلاحات؛ از وضع موجود به وضع مطلوب

بررسی پیشنهادهایی که اصلاح‌طلبان طی 10 روز گذشته به‌منظور «اصلاح اصلاحات» مطرح کردند

«تشکیل فوری اتاق فکر اصلاحات با محوریت سیدمحمد خاتمی»، «پرهیز از محافظه‌کاری و رقیب‌بازی و انتقال جریان قدرت از مرکز به حاشیه و حرکت از تمرکزگرایی به تکررگرایی»، «بازگشت به جامعه مدنی، عملگرایی و استفاده از تمامی ظرفیت‌ها»، «تشکیل حزب فراگیر با اتکا به نیروهای جوان و توانمند»، «ایفای نقش پل ارتباطی میان جامعه مدنی و حاکمیت»، «ترغیب حاکمیت به خصوص دولت سیزدهم به استفاده از ظرفیت جریان اصلاحات»، «بازنگری و نقد اساسی عملکرد گذشته به‌منظور ساماندهی مجدد تشکیلاتی»، «تدوین مرام‌نامه و مانیفست روشن و شفاف اصلاحات و اصلاح‌طلبی»، «تلاش برای تنظیم رفتار و روابط با دولت و حاکمیت و اتخاذ راهبرد واقع‌گرایانه»، «تشکیل اتاق فکر به‌منظور ارائه راهکار به دولت سیزدهم» و البته «استفاده از ظرفیت بزرگان سیاسی اصلاحات و اعتدال همچون روحانی، سیدحسن خمینی، ناطق نوری و علی لاریجانی علاوه بر بهره‌گیری از جایگاه محوری خاتمی به‌منظور استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها» تنها بخشی از پیشنهادهایی است که برخی چهره‌های سیاسی و تحلیلگران و کنشگران طی حدود 10 روز گذشته به‌منظور تبیین نقشه‌راه و ترسیم مسیر فردای اصلاحات مطرح کرده‌اند.

این پیشنهادهای که مشابتهای بسیاری نیز با یکدیگر دارند، البته تنها آن مواردی است که اصلاح‌طلبان در اظهارنظرهای مطبوعاتی و رسانه‌ای بر آن انگشت گذاشته و طبیعتاً اگر آن موارد دیگری را که اصلاح‌طلبان در نشست‌های حزبی و غیرحزبی که احتمالاً در این بازه زمانی حدوداً 10 روزه، به‌صورت حضوری یا مجازی تشکیل شده، تحت عنوان پیشنهادهایی برای برون‌رفت از شرایط کنونی پیش کشیده‌اند، به این پیشنهادهای رسانه‌ای اضافه کنیم، با سیاه‌های به‌مراتب طولانی‌تر سروکار خواهیم داشت.

آنچه اما اینجا و به‌عنوان سیاهه پیشنهادهای رسانه‌ای و مطبوعاتی برخی کنشگران و تحلیلگران اصلاح‌طلب در راستای «اصلاح اصلاحات» فهرست کردیم، دست‌کم از یک منظر محل‌اعتناست و آن پیش‌فرض مشترک تمامی این پیشنهاددهندگان و البته بسیاری از دیگر اصلاح‌طلبانی است که پیش از این در این رابطه اظهارنظر کرده و دیدگاه خود را درباره آینده اصلاحات توضیح داده بودند؛ «حال اصلاحات خوب نیست!» سیاه‌های که اینجا اشاره شد برگرفته از اظهارنظرهای مطبوعاتی احمد شیرزاد، الهه کولایی، جهانبخش خانجانی، شهربانو

اماني، جلال جلاليزاده، محمدرضا خباز، داريوش قنبري، مصطفي هاشمي‌طبا، غلامرضا ظريفيان، مهدي آيتي، احمد حكيمي‌پور و ناصر قوامي طي حدود 10 روز اخير است.

حال آنکه چنانکه اشاره شد صحبت از «اصلاح اصلاحات» و بازنگري گفتماني در اين جريان سياسي نه فقط از فردي انتخابات 28 خردادماه 1400 که علاوه بر پايان دادن به حضور نسبي برخي نيروهاي اين جريان سياسي در دولت، همزمان پاياني بود بر حضور پررنگ اصلاح‌طلبان در شوراي شهر پايتخت و برخي کلانشهرها، بلکه از ماه‌ها پيش از برگزاري اين انتخابات و به بيان دقيق‌تر، چندسالي زودتر از اين بزنگاه حساس سياسي کلید خورده و گفت‌وگوهائي ميان نيروهاي سياسي در فضاي عمومي و نشست‌هاي خصوصي اصلاح‌طلبان درگرفته بود. آن‌هم در شرايطي که هنوز علاوه بر دولتي که زيرنظر رييس‌جمهوري مورد حمايت اصلاح‌طلبان اداره مي‌شد، اين جريان سياسي دست‌کم يك‌سوم کرسی‌هاي مجلس را نيز در اختيار داشت اما به واسطه مجموعه علل و عوامل ديگر آن اقبال عمومي و حمايت گسترده اجتماعي را پشت سر خود احساس نمي‌کرد.

شرايطي که به باور برخي ناظران اگر نگوييم از همان نيمه دوم دولت نخست حسن روحاني و حدود يك سالي بعد از آغاز به کار مجلس دهم و فراکسيون اميد، اصلاح‌طلبان را به خود مشغول ساخته و آنان را به فکر اصلاحات دروني و بازسازي گفتماني انداخته بود، بايد اعتراف کنيم که نهايتا از نيمه دوم سال 96 کاملاً ملموس بود؛ زماني که حسن روحاني در حال و هواي آغاز به کار دولت دوم خود بود و فراکسيون اميدي‌هاي پارلمان نيز آرام‌آرام نيمه نخست عمر چهارساله مجلس دهم را پشت سر گذاشته و مي‌رفتند تا نيمه پاياني اين دوره را آغاز کنند.

بحث از «اصلاح اصلاحات» البته درحالي اينجا با اتکا به اظهارنظر حدود 10 تا 12 نفر از اصلاح‌طلبان، طي بازه زماني حدوداً 10 روز اخير مورد اشاره قرار گرفت که اگر تا مقطع زماني آغاز زمزمه‌هاي اوليه اين گفتار عقب برگرديم، با چهره‌ها و نام‌هاي ديگري نيز گره خورده است. به‌خصوص چهره‌هاي سياسي منتسب به جريان اصلاحات همچون سعيد حجريان، محمدرضا تاجيك، عباس عبدي، عليرضا علوي‌تبار که کمتر اهل کنشگري سياسي و سياست‌ورزي عملي بوده و بيشتر سرگرم کار نظري و تئوري سياسي در قامت تحليلگري و روزنامه‌نگاري هستند و به‌کرات از راهکارهاي عبور از شرايط نامساعد کنوني صحبت کرده و پيشنهادهائي را مطرح کرده‌اند.

اما نکته جالب اين است که يکي از نخستين اقدامات در اين راستا نه از جانب اين چهره‌هاي سرشناس و کهنه‌کار، بلکه ازسوي تعدادي از جوانان کمترشناخته شده اصلاح‌طلب انجام شد. اقدامي که در قالب يك کنش جمعي ازسوي 100 نفر از جوانان اصلاح‌طلب صورت گرفت و درحالي همين تعبير «اصلاح اصلاحات» را به عنوان تيترا آن بيانیه، وارد به ادبيات سياسي-رسانه‌اي ايران کرد که در متن بيانیه، خطاب به

سیدمحمد خاتمی توصیه می‌کرد که نهاد اجماع‌ساز جریان اصلاحات، به روش انتخابی و از پایین به بالا به نحوی تشکیل شود که از سهم‌خواهی در این شورا ممانعت به عمل آید و با فراهم آوردن امکان عضویت چهره‌های ملی در این نهاد بالادستی در جریان این جریان سیاسی، زمینه انجام اصلاحات در راستای تشکیل یک نهاد ملی فراهم شود.

نامه‌ای که آن زمان، درحالی از نهاد اجماع‌ساز صحبت می‌کرد که هنوز «شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان» محور فعالیت‌های این جریان سیاسی بود و اقدامی در راستای تشکیل نهاد فعلی یعنی «جبهه اصلاحات ایران» صورت نگرفته بود و بیراه نیست اگر بگوییم دست‌کم بخشی از مطالبات همان بیانیه معروف به «اصلاح اصلاحات» بود که تفاوت‌های این نهاد کنونی را نسبت به شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان رقم زد.

اما واقعیت آن است که تشکیل نهاد اجماع‌ساز جایگزین در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری 1400 که با عنوان «جبهه اصلاحات ایران» فعال شد، هنوز هم نتوانسته همه آن اصلاحاتی را که چه آن 100 کنشگر به نسبت جوان‌تر و دیگر چهره‌های اصلاح‌طلب و چه پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان مدنظر داشته و دارند، پوشش دهد. شاهد این مدعا نیز همین اظهارنظرهایی است که طی حدوداً 10 روز گذشته از سوی بیش از 10 چهره اصلاح‌طلب از طیف‌های متنوع این جریان سیاسی شنیدیم و احتمالاً تا تحول موردنظر محقق نشود، همچنان خواهیم شنید.

البته اگر آنچه در سطور نخست این نوشته به عنوان سیاهه پیشنهادی اصلاح‌طلبان برای برون‌رفت از شرایط کنونی به وضع مطلوب مطرح شد، رنگ واقعیت به خود بگیرد، تحولات موردنظر پیشنهاددهندگان دیگر چندان دور از تصور نخواهد بود و دست‌کم می‌توان به تحققشان امید بست. به‌خصوص که حالا می‌توان با تلخیص همین سیاهه شامل سرفصل و عناوین پیشنهادی اصلاح‌طلبان، به اصول و خطوط کلی دست یافت که اصلاح‌طلبان برای اصلاح اصلاحات نیازمند تحقق آن هستند؛ اصولی که شاید به اختصار می‌توان آن را در این گزاره خلاصه کرد؛ «تشکیل اتاق فکر با محوریت بزرگان و استفاده از ظرفیت جوانان اصلاح‌طلب به منظور ارائه تعریف دقیق اصلاح‌طلبی در قالب مرام‌نامه‌ای شفاف و همچنین تدوین نقشه راه دقیق برای مسیر فردای اصلاحات، جهت حرکت به سوی جامعه مدنی و افزایش توان نقش‌آفرینی و اثرگذاری در حاکمیت».